

ایران-چین-آمریکا

## کیش و مات

چین در دوراهی ایران و آمریکا، چاره‌ای جز این ندارد که "کج دار و مریز" رفتار کند.



چین را در اکثر اوقات باید به عنوان بزرگترین شریک تجاری کشورمان قلمداد کرد. بیشترین میزان نفت ایران توسط این کشور خریداری می‌شود و بخش قابل توجهی از سرمایه‌های خارجی ما توسط آن تأمین می‌گردند. ظرفیت بالای صادراتی نفت و منابع فراوان گازی ایران، کشور ما را به عنوان مرکز توجه چین قرار داده است. این موضوع باعث شده تا یکی از کشورهای مهم عضو شورای امنیت سازمان ملل، بیشتر اوقات در همراهی سایر اعضا تردید داشته باشد - هر چند در ۱۰۰ درصد تحریم‌ها رأی موافق داده و از آنها حمایت کرده است.

کاهش نگرانی‌های تأمین انرژی مورد نیاز تولید در چین محوری‌ترین سیاست این دولت در سال‌های اخیر است. البته ایران برای چینی‌ها در حکم بازی دو سر بُرد است. در تجارت، در حال حاضر رقم بسیار بالایی از واردات کشورمان از این کشور صورت می‌گیرد (میزان واردات ایران در سال ۲۰۱۰ از چین ۴ میلیارد دلار بوده که این رقم ۸/۵ درصد کل واردات ایران را به خود اختصاص داده است).

به طور کلی کارشناسان در عین حال که به نیاز دو کشور ایران و چین اذعان دارند، بر نوعی عدم تقارن بین دو کشور توافق دارند. به عقیده تحلیل‌گران روابط بین‌الملل، ایران بیش از چین به تداوم این رابطه نیازمند است. به اعتقاد آنان، بحث افزایش میزان تجارت متقابل ایران و چین تا مرز یکصد میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تا مرز ۲۰۰ میلیارد دلار تا ۵ سال آینده که اخیراً توسط رییس جمهور مطرح شده است، نشانه این موضوع است، اما این تحلیل‌گران به این موضوع توجه چندانی ندارند که توسعه روابط خارجی با قدرت‌های بزرگ دنیا از جمله سیاست‌های مهم جمهوری اسلامی ایران است و قطع روابط یا کاهش

## تجارت خارجی چین پس از بحران جهانی

آمار نشان می‌دهد که میزان رشد صادرات چین در ۳ ماهه اول ۲۰۰۸ نسبت به همین مدت در سال پیش از آن رقمی در حدود ۲۱ درصد بوده است. این رقم تا اول پاییز همان سال روندی صعودی داشت و به ترتیب در ۳ ماهه دوم و سوم به ۲۲/۴ و ۲۳ درصد افزایش یافت، اما با شدت گرفتن بحران، رشد صادرات به ۴/۶ درصد اُفت کرد. همین ارقام نشان می‌دهند که میزان سقوط صادرات چین در مقایسه با میانگین رشد کشورهای توسعه یافته آسیای شرقی بسیار شدیدتر بوده است. این سقوط با آغاز سال ۲۰۰۹ به مراتب شدت یافته و به منفی ۲۰/۳ درصد در ۳ ماهه سوم ۲۰۰۹ رسید. جالب آن که در مقایسه با صادرات، واردات این کشور زودتر روند نزولی خود را آغاز کرد و از ابتدای فصل تابستان، نرخ رشد واردات این کشور قدرتمند از ۳۲/۹ درصد به ۲۵/۹ و در ۳ ماهه پایانی سال ۲۰۰۸، این میزان به منفی ۸ درصد تقلیل یافت. مجموع این وقایع باعث شد دولت چین و بانک مرکزی این کشور، اعتبارات صادراتی خود را افزایش دهند و برای جلوگیری از کاهش رشد اقتصادی خود به ترمیم امر تجارت بپردازند.

دولت چین همچنین با تکیه بر رقم بالای ذخایر ارزی خود که گفته می‌شود بیش از هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار است، توانست در شرایط بحران

به خرید مواد اولیه از کشورهای آفریقایی و آسیایی بپردازد و به این ترتیب در مدتی که دنیا درگیر بحران اعتباری بود به جمع و جور کردن اقتصاد پرداخت. طولی نکشید که رونق تجاری چین در مقایسه با کشورهای به خواب رفته اروپایی و آمریکا شروع شد. در ماه مارس ۲۰۱۰ نرخ رشد سالانه صادرات چین به رقم ۲۴ درصد رسید و واردات نیز به یکباره ۶۶ درصد رشد کرد.

سال گذشته پس از تحمل یک دوره نسبتاً سخت برای اقتصاد

چین، این کشور از بحران کناره گرفت و به این ترتیب، نشانه‌های خوبی همچون افزایش میزان تولیدات صنعتی با رشد ۲۰/۷ درصدی، افزایش ۲۶ درصدی سرمایه‌گذاری‌ها و رشد ۲۱ درصدی خرده فروشی رخ نشان دادند. ■

آمار حکایت از آن دارد که همت چین در صنعت و تولیدات بزرگ صنعتی آن تبلور یافته است. مثلاً این کشور میزان صادرات قطعات حمل و نقل را کاهش داده و در عوض سعی کرده میزان واردات آن را افزایش دهد که این موضوع را می‌توان به معنای نیاز خطوط رو به رشد تولید تجهیزات حمل و نقل این کشور به قطعات تعبیر کرد. اما همزمان، صادرات و واردات قطعات اتومبیل و ماشین آلات صنعتی را افزایش داده است.

## طرف‌های تجاری چین و تغییرات آنها

طرف‌های تجاری چین را باید در دو بُعد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطالعه کرد. در بُعد منطقه‌ای، صادرات چین به کشورهای شرق آسیا در کل از رقم ۴۷/۲ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۴۳/۹ درصد کاهش یافته و برعکس، این رقم در مورد واردات از ۵۸/۲ درصد به ۶۴/۴ درصد رسیده است. در کل، تجارت دو جانبه کشورهای این منطقه با افزایش مواجه بوده و توانسته در این مدت از رقم ۵۳/۲ درصد به ۵۵/۱ درصد برسد. به علاوه، تجارت چین با همه مناطق دنیا جز کشورهای عضو نفتا و اروپا افزایش یافته است؛ هر چند صادرات و واردات هر منطقه با منطقه دیگر و هر نوع کالا و تولید با کالا و تولید دیگر متفاوت است.

## ترکیب تجاری چین

ترکیب کالایی	رشد صادرات		رشد واردات	
	(۱۹۹۴-۹۵)	(۲۰۰۶-۷)	(۱۹۹۴-۹۵)	(۲۰۰۶-۷)
تولیدات اساسی	۱۶/۲	۱۰/۴	۲۳/۵	۱۳/۵
صنعتی	۸۳/۴	۸۹/۲	۷۶/۱	۸۶/۳
قطعات ماشین آلات	۲۰/۸	۴۶/۶	۲۶/۴	۴۹/۷
کالاهای الکترونیکی	۱۶/۷	۴۰/۶	۱۵/۰	۲۳/۰
صنایع مختلف	۴۳/۳	۲۵/۵	۷/۷	۱۲/۵
پوشاک	۱۸/۵	۱۰/۳	۱/۳	۰/۴
قطعات حمل و نقل	۳/۷	۲/۳	۰/۷	۱/۸

استخراج: «اقتصاد ایران» از سازمان تجارت جهانی

## رشد تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چین

گروه کالایی	سال	شرق آسیا	توسعه یافته آسیایی	آسه‌آن+۳	آسه‌آن	نفتا	اروپا
خالص تجارت	۱۹۹۲-۹۳	۵۳/۲	۳۶/۵	۲۷/۰	۱۷/۸	۳۹/۹	۶۲/۶
	۲۰۰۶-۷	۵۵/۱	۴۰/۰	۳۰/۴	۲۰/۱	۳۸/۴	۵۷/۴
تجارت قطعه	۱۹۹۲-۹۳	۵۷/۰	۳۸/۷	۳۵/۴	۲۴/۲	۴۱/۴	۶۰/۱
	۲۰۰۶-۷	۶۲/۹	۵۲/۱	۴۰/۲	۲۳/۱	۴۳/۲	۵۵/۵
کالای نهایی	۱۹۹۲-۹۳	۵۰/۳	۳۵/۷	۲۵/۴	۱۴/۳	۳۹/۴	۶۳/۲
	۲۰۰۶-۷	۴۶/۴	۳۴/۰	۲۹/۱	۱۸/۰	۳۷/۳	۵۷/۷

یادداشت: ستون ۵ شامل آسه‌آن + ژاپن، کره و چین است و نفتا به کشورهای عضو موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی گفته می‌شود.

استخراج: «اقتصاد ایران» از آمارهای سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی

میزان روابط خارجی با برخی کشورها، معلول است، نه علت. رییس جمهور در همین راستا، ارتقای روابط دو جانبه را به عنوان راهکاری در راستای جلوگیری از موانع موجود در مسیر توسعه دو کشور مطرح کرده است.

### هم به نعل، هم به میخ

لی چانگ‌چون، عضو ارشد جبهه کمونیست چین در دیدار ماه سپتامبر خود با رییس جمهور کشورمان با اشاره به تحریم‌ها علیه ایران گفت که چین با تحریم‌های یک جانبه و فشارهای خارجی توسط کشورهای غربی و آمریکا مخالف است. اما این سوال مطرح می‌شود که مخالفت این کشور با این اقدامات، چرا در عمل به امضای تحریم‌ها ختم می‌شود، نه رد آنها؟ پاسخ این سوال را باید در روابط ایالات متحد و چین جست‌وجو کرد.

بسیاری بر این عقیده‌اند که چین رقیب آمریکا است، اما به نظر نمی‌رسد این ایده درستی باشد. با نگاهی به رویکرد چین در روابط بین کشورهای جهان - به عنوان نمونه دو کشور کره شمالی و جنوبی که در همسایگی چین واقع‌اند - به خوبی می‌توان دریافت که چین بیش از آن که در نظر داشته باشد نقشی در دنیا ایفا کند، درصدد است به دنیا این اطمینان را بدهد که جمعیت یک میلیارد و دویست میلیون نفری آن، امکانات هسته‌ای و نظامی آن و قدرت اقتصادی آن در جهت نظم و صلح جهانی است.

در ۱۰ سال گذشته، پکن توانسته با واکنشگن روابط مشترک فراوانی را در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی رقم بزند که بخشی از همکاری‌های دو دولت، حول محور ایران بوده است. دو کشور بارها مشترکاً توان کشورمان را در دستیابی به امکانات هسته‌ای مورد چالش قرار داده‌اند. البته عملکرد پکن در مقایسه با سایر کشورهای عضو، به نوعی عملکرد منتهی به تأخیر در تحریم‌ها بوده است. علاوه بر این، سیاست چین بر این پایه استوار بوده تا بتواند در هر مرحله از تحریم‌ها تا جایی که ممکن است اثرات منفی این تحریم‌ها را در زمینه‌های قطع روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری - خصوصاً

در حوزه انرژی - خنثی کند. هر چند، موفقیت‌های کمی در این زمینه حاصل شده است، اما قطع کامل روابط اقتصادی با کشورمان، زیر سایه همین مخالفت‌ها و البته با هدف به حداقل رسیدن اثرات تحریم‌ها بر اقتصاد چین، توسط این کشور به تحریم‌های موردی تعدیل شده است. به نعل و میخ زدن چین را می‌توان در همین مسایل دید و دریافت که سیاستمداران این کشور، بیشتر به دنبال تأمین نیازهای کشورشان هستند تا ایفای نقش در عرصه بین‌الملل. موضوع دیگر آن است که چین، منافع ضد و نقیضی را در خلیج فارس

و ایران دارد. روند فزاینده تقاضای انرژی در این کشور از یک سو و منافع استراتژیک گسترده‌ای که ابا آمریکا دارد از سوی دیگر، دولتمردان چینی را به انجام یک دونل خطرناک



و ادرا کرده است. چین به خوبی می‌داند که اتخاذ هر گونه سیاست اشتباه در خلیج فارس - به خصوص در قبال ایران که چین سومین کشور خریدار نفت و گاز آن به حساب می‌آید - تأثیراتی جبران ناپذیر را بر اقتصادش بر جای می‌گذارد. موضوعی که در این میان کمتر وارد محاسبات شده آن است که دخالت چین در امور کشورمان، اگر سنجیده نباشد می‌تواند این کشور را با چالش‌های اساسی اقتصادی مواجه کند؛ چالش‌هایی که پشت پرده، سیاستمداران اقتصادی بلشان نمی‌آید به وسیله آنها، خطر قدرت روز افزون چین را کاهش دهند و از این طریق، این رقیب رو به رشد را کنترل کنند.

موضوع دیگر آن که دخالت در امور ایران و عراق توسط آمریکا، روی دیگر سکه کنترل خریداران نفتی این کشورها است. در سپتامبر ۲۰۰۲ و پس از حمله آمریکا به عراق، این موضوع مطرح شد که نفت عراق اثرات مستقیمی را بر اقتصاد دنیا تا ۳۰ سال بعد خواهد داشت و ابزار مهمی برای آمریکا خواهد بود که به وسیله آن بتواند حیات اقتصادی دنیا را کنترل کند. البته این نظریه به حقیقت نپیوست، اما هنوز

شاهد حضور آمریکا در منطقه به بهانه جنگ عراق هستیم. مسایلی از این دست از نگاه تحلیل‌گران چینی دور نیستند و منجر به این می‌شوند که اگر چه نیم نگاهی به تأمین منافع خود از طریق خاورمیانه دارند، اما فراموش نکنند که کلید در دست آمریکا است. خوشبختانه کشور ما در خلال سال‌های پس از انقلاب مستقل بوده و استقلال اقتصادی آن می‌تواند خیال شرکای تجاری را راحت کند - هرچند نباید تأثیر سیاست‌های آمریکا را نیز نادیده گرفت.

### آمریکا تنها می‌ماند؟

موضوعی را که در این بین نباید نادیده گرفت آن است که ایالات متحد آمریکا برای کسب اطمینان از عملکرد بهتر خود در آنچه آن را تأمین امنیت جهانی می‌خواند، نیازمند همراهی بسیاری از کشورهای دنیا است که در آسیا، مهمترین این کشورها چین به حساب می‌آید. در این بازی، دولت چین به خوبی می‌داند که مخاطرات ناشی از همراهی آمریکا بسیارند و یکی از آنها از دست دادن بخش قابل توجهی از بازارهای حیاتی این کشور در خاورمیانه است. به عبارت ساده‌تر، ریسک اقتصادی هماهنگی با سیاست‌های آمریکا برای چین بالا است. این موضوع زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که هزینه‌های ناشی از جنگ و مبارزه با تروریسم در حال فلج کردن اقتصادهای بزرگ دنیا بوده و مردم هم از هزینه شدن مالیات‌هایشان در کشورهای دیگر ناراضی‌اند و حتی ممکن است آمریکا در آینده در این اقدامات تنها بماند و این موضوعی است که کشورها را به احتیاط بیشتر در تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند وامی‌دارد.

در این میان، تصمیمات اقتصادی و توافقات دولت‌های چین و جمهوری اسلامی ایران را باید گامی مهم در عرصه اقتصادی و سیاسی قلمداد کرد که مویده همین نظر است. میزان واردات نفت چین از منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۰۶ رقمی در حدود ۴۴ درصد بوده، اما این رقم قرار است تا سال ۲۰۱۵ به ۷۰ درصد برسد. یازده درصد صادرات نفت به چین صورت می‌گیرد. در سال ۲۰۰۵ میزان تجارت دو

جانبه ما و چینی‌ها رقمی در حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده و این رقم در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۱ میلیارد دلار و در ۸ ماهه سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۸ میلیارد دلار رسیده است. این رقم نسبت به ۸ ماهه ۲۰۰۹ با ۳۳ درصد رشد همراه بوده است. حتی با همه تحریم‌ها و عوامل محدود کننده روابط بین ایران و چین، در ماه دسامبر گذشته، معامله‌ای به ارزش ۲ میلیارد دلار بین سینوپک و کشورمان جهت توسعه میدان نفتی یادآوران بسته شده که از عزم جدی دو کشور در زمینه توسعه روابط حکایت می‌کند. ■

### روابط تجاری ایران و چین

سال	ارزش واردات از چین	کل واردات	سهم واردات از چین	ارزش صادرات به چین	کل صادرات غیر نفتی	سهم چین از صادرات
۸۲	۱,۵۴۱	۲۶,۵۸۹	۵,۷۹	۳۳۲	۵,۹۷۲	۳/۸۸
۸۳	۲,۰۶۲	۳۵,۳۸۹	۵,۸۳	۲۶۶	۶,۸۴۷	۳/۸۹
۸۴	۲,۲۰۴	۴۳,۳۸۴	۵,۰۸	۵۲۹	۱۰,۵۵۴	۵/۰۱
۸۵	۲,۷۵۳	۴۹,۹۸۱	۵,۵۰	۱,۰۵۳	۱۴,۱۸۳	۷/۴۳
۸۶	۴,۲۹۲	۵۸,۲۴۲	۷,۳۷	۱,۲۴۴	۱۶,۱۰۵	۷/۷۳
۸۷	۴,۹۱۵	۷۰,۲۰۰	۷,۰۰	۲,۰۰۳	۱۸,۸۹۴	۱۰/۶۰
۸۸	۴,۸۳۹	۶۶,۶۰۰	۷,۲۶	۳,۱۲۰	۲۱,۳۳۳	۱۴/۶۳
۹ ماهه ۸۹	۴,۰۰۳	۴۷,۰۷۰	۸,۵۰	۳,۴۱۰	۱۹,۱۴۳	۱۷/۸۱

استخراج: «اقتصاد ایران» از سازمان توسعه تجارت، گمرک و بانک اطلاعاتی ماهنامه